

## درآمدی بر حقوق اداری در قانون اساسی

محمد رضا مهدوی

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی؛ دانشگاه آزاد؛ محلات؛ اراک؛ ایران.

### چکیده

یکی از شاخه‌های مهم حقوق عمومی داخلی، حقوق اساسی است. حقوق اساسی از شکل دولت و سازمان قوای عالی‌های حکومتی یعنی قوه قضاییه، مجریه و مقننه و صلاحیت و وظایف هریک از آنها بحث می‌کند. حقوق اداری متمم و مکمل حقوق اساسی است. بدین معنا که هریک از قوای حکومتی برای انجام وظایف‌شان، سازمان‌هایی را ایجاد می‌کنند تا در انجام امور اجرایی به آنها کمک کنند. حقوق اداری به مطالعه‌ی سازمان‌ها و وظایف و اختیارات سازمان‌هایی که مجموع آنها قوه مجریه را تشکیل می‌دهد، می‌پردازد. حقوق اداری به مجموعه قواعد حقوقی گفته می‌شود که حقوق و تکالیف سازمان‌های اداری دولت و روابط آنها با مردم را تعیین می‌کند. حقوق اداری ناظر بر فعالیت‌های مربوط به خدمات عمومی و حفظ نظم عمومی سازمان‌های اداری است و شامل فعالیت‌های سیاسی، قضائی، قانون‌گذاری این سازمان‌ها نمی‌شود. حقوق اداری، مجموع قواعد و احکامی درباره سازمان‌ها و نهادهای اداری و چگونگی نظارت بر اعمال و تصمیمات آنها و برقراری حاکمیت قانون و تأمین حقوق شهروندی است. حقوق کار نیز زیر مجموعه حقوق عمومی داخلی است که به مطالعه قواعد و مقررات حاکم بر روابط کار می‌پردازد. حقوق کار بر کلیه روابط حقوقی که از انجام کار برای دیگری ناشی می‌شود و در هر مورد که اجرای کار با تبعیت نسبت به کارفرما همراه باشد، حاکم است و به عبارتی حقوق کار به بررسی، تجزیه و تحلیل و ارزیابی مقررات حمایتی و آمرانه‌ای می‌پردازد که ناظر به روابط تبعیتی کار می‌باشد و هدف آن تأمین امنیت، عدالت و نظم اجتماعی است. در معنایی دیگر می‌توان حقوق کار را «مجموعه قواعد حاکم بر روابط میان کارگر و کارفرما و نیز قواعد مرتبط با حقوق افراد، برای دستیابی به کار» تعریف نمود. باید توجه داشت که این قواعد معمولاً از نظام بین‌المللی، وارد نظام‌های حقوقی داخلی شده‌اند؛ بنابراین با شناخت این حقوق، در نظام بین‌المللی می‌توان قواعد داخلی را غنی تر تدوین کرد. امروز در قانون کار ایران و نیز در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از بسیاری از این دستاوردهای بین‌المللی کمک گرفته شده‌است. در خصوص تعریف حقوق کار می‌توان گفت می‌توان به اشکال گوناگونی این رشته را توصیف کرد. «پل دوران»، از اساتید حقوق کار در فرانسه، بیان داشته‌است، حقوق کار، حاکم بر روابط حقوقی ناشی از انجام کار توسط یک فرد برای فرد دیگر می‌باشد. به نظر می‌رسد چنین تعریفی که تکیه بر جنبه حقوقی دارد می‌تواند تا حدی به تعریف جامع و مانع از این رشته نزدیک باشد.

واژه‌های کلیدی: حقوق؛ اداری؛ قانون اساسی

## مبانی نظری

**الف- تعریف اداره:** برای واژه‌ی اداره، معانی متعددی را در زبان فارسی به کار برده‌اند. از جمله اینکه اداره، عبارت از گرداندن، گرداندن، چرخاندن، قوام دادن، نظام دادن، رتق و فتق دادن، اداره کردن شغلی، بارگاه، قسمتی از یک وزارتخانه، کارگردانی و سازمان دولتی از لحاظ کلی<sup>۱</sup> و ... می‌باشد. در زبان‌های دیگر نیز، معادل واژه اداره تقریباً به همین معانی، به کار رفته است. آنچه را که می‌توان از معانی بالا برداشت کرد این است که عموماً اداره، دارای دو مفهوم عمده در زبان فارسی است؛ یک - مفهوم کاربردی و یا مادی دو- مفهوم ارگانیک و سازمانی. اداره در مفهوم کاربردی و مادی آن، همان افعال و اعمالی است که انجام می‌شود و در مفهوم سازمانی یا ارگانیک، مجموع ادارات یا سازمان‌هایی است که فعالیت می‌کنند. برای اداره در مفهوم کاربردی و سازمانی آن نیز، تعاریف مختلفی بکاررفته است که برخی از آنها به این شرح است: اداره به مفهوم مادی یا کاربردی آن، عبارت است از فعالیت‌ها و خدماتی که بوسیله سازمان‌های عمومی و یا زیر نظر آنها انجام و ارائه می‌شود. در مفهوم مادی اداره، اهداف و مقاصد اداره مطرح نظر است، اداره به مفهوم سازمانی یا ارگانیک آن، مجموعه‌ی امکانات و اشخاصی است که هدف اداره را تحقق می‌بخشند. در مفهوم سازمانی اداره، بکارگیری ابزارهای مادی و نیروی انسانی که در تحقق اداره مؤثرند، مورد نظر است. اداره، عبارتست از نظام اجتماعی خاصی که بر اساس آن، عده‌های از افراد بشر به منظور نیل به یک سلسله هدف‌های نسبتاً مشخص با یکدیگر همکاری می‌کنند. بدین معنی که تصمیماتی را اتخاذ می‌نمایند و تصمیماتی را به مرحله‌ی اجرا در می‌آورند. اداره، عبارت است از مجموع واحدهای سازمان یافته‌ای که وظیفه‌ی آن، تأمین منافع عمومی است. اداره، عبارت است از تشریک مساعی افراد به منظور تأمین هدف مشترک. بنابراین، آنچه که از تعاریف فوق مستفاد می‌شود این است که در تعریف سازمانی و کاربردی اداره دو مشخصه‌ی بارز و اساسی ایفای نقش می‌کنند. یکی «مجموع واحدهای سازمان یافته» یا «نظام اجتماعی».

## تعریف کارایی و بهره‌وری

تعریف کارایی همواره مترادف با بهره‌وری است، یعنی این که باید دید، در مقابل داده‌ها به یک سیستم یا سازمان که مترادف سازمان است چه چیزی عاید، مردم و دولت می‌شود و در اینجا است که کارایی مفهوم پیدا می‌کند، به عبارت دیگر، آیا فرایند، سیستم در مقابل آنچه که دریافت می‌دارد، هم وزن و یا بیشتر می‌باشد، در صورتی که این داده بیشتر از دریافت‌ها باشد کارایی، سیستم یا سازمان مثبت و می‌تواند، به عنوان الگو معرفی شود و اگر داده سیستم در مقابل، دریافت‌ها کمتر باشد، لذا این وظیفه همه به عهده کارشناسان است که بنشینند و علت را جستجو کنند و لذا، کارایی به طور خلاصه عملکرد سیستم در مقابل آنچه که دریافت می‌دارد و سپس به جامعه عرضه می‌دارد. تعریف علوم اداری با وجود اینکه مدیریت و مقررات و اداره غالباً مترادف با یکدیگر به کار می‌روند اما اداره مفهوم وسیع تری از سازمان، مدیریت و مقررات حاکم بر آن دارد، به طوری که هر دو واژه مذکور را در بر می‌گیرد، الیورشلرن عقیده دارد:

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامهی فارسی، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج اول، چ اول، ۱۳۷۲ ص ۱۳۱۱.

۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی (یک جلدی)، تهران: فردوس، چ اول، ۱۳۸۶، ص ۶۸.

"اداره، سازمان را بوجود می‌آورد، مدیریت آن را بر اساس مقررات (حقوق اداری) به کار می‌اندازد و مورد استفاده قرار می‌دهد، اداره هدف‌ها را تعریف و توصیف می‌کند و مدیریت بر اساس مقررات ابلاغی برای نیل به این هدف‌های معین مشخص کوشش و فعالیت می‌کند، سازمان ماشین مدیریت است در نیل به هدف‌ها و مقاصدای که از طرف قانونگذار تعیین گردیده است.

### تعریف سازمان

هر عملی که مبتنی بر همکاری آگاهانه و یا چند تن از افراد انسانی باشد عملی متشکلی است که در دنیای امروز این گونه اعمال همکارانه که در درون سازمان صورت می‌گیرد و به عبارت دیگر سازمان عبارت است از یک دستگاه مبتنی بر نقشه و متشکل از مساعی همکارانه که در آن هر یک از همکاران نقش معین و تکالیف وظایف مخصوصی داشته باشند در تخصیص این تکالیف به اصول هدف‌های سازمان بیش از ارضای امیال شخصی توجه شده است، اگرچه غالباً این دو بر هم منطبق می‌شوند عناصر تشکیل دهنده سازمان عبارتند از:

طبقه بندی، وظایف، تفویض اختیار و تثبیت مسئولیت برای اجرای وظایف تعیین روابط به منظور همکاری موثر در نیل به هدف‌های سازمان.

### اداره امور عمومی

وسعت و قدمت مفهوم اداره امور عمومی (سازمان‌های دولتی) به گسترش و قدمت تاریخ است با پیشرفت تمدن بشر این مفهوم وسیع تر شده است از زمانی که بشر به اجماع انسانی روی آورد و زندگی اجتماعی را آغاز کرد، اداره امور عمومی به معنای عام آن تحقق یافت، اما بعد از ایجاد دولت‌ها و سازمان‌های دولتی مناسبات با این دستگاه‌ها و سازمان‌های وابسته اش، امور اداره امور عمومی را به معنای خاص به وجود آورد، بنابراین تاریخ اداره امور عمومی همان تشکیلات اداری و ارتباطات و مناسبات مردم با دستگاه دولت و سازمان‌های تابع آن است.

زمانی اعتقاد بر این بود که کارهای حکومتی به اندازه‌ای ساده است که هر فردی بدون مهارت و تجربه و آموزش دیدن قادر است از عهده آن برآید، اما امروز دستگاه‌های حکومتی فقط با وجود متخصصان مجرب و کارشناسان با سواد و آموزش آزموده از عهده تکالیفی که بر دوش دارند بر خواهند آمد، درحقیقت، در تمدن عصر حاضر محتاج خدمات و اعمال حکومت کرده و این خدمات و اعمال موجب شد که حکومت در این دوران به صورت یک بنگاه بسیار عظیم درآید.

اداره امور عمومی در معنای مصالح یعنی آنچه که دولت و سازمان‌های دولتی انجام می‌دهند.

### مفهوم دولت

از بین گروه‌های بیشماری که جامعه را تشکیل می‌دهند دولت موضوع خاص مطالعه پژوهنده سیاست و امور عمومی است دولت مانند اجتماعات دیگر انسانی از میان جامعه بر می‌خیزد و در آن زیست می‌کند. ریشه حکومت به همان خاکی می‌رسد که خانواده اتحادیه‌های کارگری، شرکت‌های سهامی و مدرسه و باشگاه را نگه می‌دارد و پرورش می‌دهد، ولی چه چیز سبب می‌شود که دولت به شیوه خاص خود رشد کند؟ چرا این نهاد که ما آنرا حکومت نیز می‌گوییم وجود دارد؟ برای دولت دو مفهوم کلی قائل شده‌اند در مفهوم اول دولت عبارت است از یک اجتماع سیاسی متشکل که چه از جهت امور داخلی و چه از لحاظ امور خارجی قدرتی مافوق برای آن وجود ندارد، دولت به این مفهوم شامل سه رکن جامعه یعنی قوه قانونگذار، قوه قضاییه و قوه اجراییه است و سه عنصر جمعیت، سرزمین و قدرت عالی سیاسی حاکمیت را در بر می‌گیرد (حکومت) دولت در مفهوم دوم خیلی محدودتر است و تنها مبین قدرت اجرایی مملکت است، وقوه‌های قانون گذاری و قضایی را در بر نمی‌گیرد، به زبان دیگر در این تعریف لفظ دولت مترادف (حکومت) است.

### مشخصات سازمان‌های دولتی

- ۱- تلاش گروهی همکاران در یک موسسه عمومی است.
- ۲- هر سه شاخه اجرایی قانون‌گذار و قضایی و ارتباط میان آنها را در بر می‌گیرد.
- ۳- نقش مهمی در ترسیم خط مشی عمومی و اجرای قوانین دارد بنابراین بخشی از فرآیند حقوقی (قانونی) و سیاسی است.
- ۴- تفاوت‌های عمده با اداره و سازمان امور خصوصی دارد.
- ۵- برای فراهم آوردن خدمات مورد نیاز جامعه با تعداد زیادی از گروه‌های خصوصی و افراد همکاری نزدیک دارد.
- ۶- بر اساس قانون ایجاد و بر اساس آن ادامه حیات می‌دهد و بر اساس قانون منحل می‌شود.

### سازمان دولتی و حقوق اداری

فلسفه وجودی سازمان‌های دولتی به ویژه در ایران، بر اساس قانون اساسی مصوبه قوه مقننه به (صورت مستقیم) و به صورت غیرمستقیم نیز به قانون بازمی‌گردد و لذا با توجه به ارائه خدمات عمومی توسط دولت‌ها و خصلت ضد انحصاری بودن دولت در زمینه انواع خدمات مورد نیاز جامعه یا مصوبه مستقیم قانونگذار است، یا به طور غیر مستقیم و آیین نامه‌های اجرایی است که توسط قانون‌گذار به قوه مجریه واگذار شده است، اما آنچه که مهم است، ساختار سازمان‌های دولتی، ایجاد سازمان نیروهای انسانی اداره کننده آن و مقررات حاکم بر آن را فوق تخصصی راجع به ادارات یعنی حقوق اداری معین می‌کند و لذا اهمیت حقوق اداری در نحوه برخورد سازمان‌های دولتی با مردم که ولی‌نعمتان حکومت هستند را مشخص می‌کند و اصولاً مشروعیت سازمان‌های دولتی وابستگی زیادی به حقوق اداری دارد.

### حقوق اساسی

حقوق اساسی به عنوان اصلی ترین رشته حقوق عمومی در رأس سلسله مراتب این رشته قرار می‌گیرد و به عبارتی می‌توان آن را مادر سایر رشته‌های حقوق عمومی دانست. در آغاز نشو و نماي حقوق عمومی، آنچه بیش از هر چیز در مرکز توجه قرار داشت، حقوق اساسی و موضوعات مربوط به آن بود. اندیشیدن درباره موضوعاتی چون جامعه، دولت و حکومت، ذهن بشر را از همان ادوار باستانی به خود مشغول داشته است. متفکران و فیلسوفان در پی یافتن بهترین شیوه های حکومت و وصول به جامعه آرمانی یا مدینه فاضله بخش مهمی از تلاش های خود را به کار گرفته اند. آثار پرارزش و قابل ملاحظه آن اعصار هنوز هم در دنیای امروز قابل بحث و فحص است. زیرا از همان گاه که بشر در باب سرنوشت اجتماعی و پیرامونی خود به تأمل پرداخت، به اهمیت و حساسیت مسائل مربوط به دولت و حکومت پی برد و خوشبختی مادی و معنوی افراد و جوامع را در ارتباط تنگاتنگی با سازمان بندی سیاسی و شکل و محتوای حکومت و چگونگی اعمال قدرت یافت. از این میان، دیری نیست که اصطلاح حقوق اساسی در فهرست رشته‌های شناخت ظاهر گردیده و به عنوان یکی از شاخه های ثمربخش حقوق سربرداشته است. رشته حقوق اساسی نخستین بار در جمهوری های ایتالیایی فراره، پاوی، وبولونی در حدود سال های 1292 توسط ارتش های دیرکتوار مصطلح گردید. سپس در سال 1834 کرسی حقوق اساسی توسط تاریخ نویس و دولت مرد مشهور فرانسوی فرانسوا گیزو در دانشکده حقوق پاریس تأسیس گردید. صفت اساسی که در آستانه انقلاب فرانسه توسط نویسندگان و روزنامه‌ها و مردم به کار می‌رفت، رسماً در سال 1835 توسط آکادمی فرانسه مورد قبول واقع شد و به عنوان یک اصطلاح فنی حقوق معمول گردید.

مقدمتاً حقوق اساسی را می‌توان چنین تعریف کرد: حقوق اساسی رشته‌ای از حقوق عمومی داخلی است که در آن از شکل دولت، سازمان قوای عالی مملکتی (مقننه، مجریه و قضاییه) وظایف و اختیارات هر یک از قوای مزبور و روابط آنها با یکدیگر، حدود قدرت دولت و حقوق و آزادی‌های اساسی به‌گونه‌ای که در قانون اساسی کشور معین و مقرر شده است، بحث و گفتگو می‌شود. این تعریف از حقوق اساسی که در گذشته معتبر به نظر می‌رسید، امروزه مورد انتقاد و ایراد واقع شده است. زیرا: حقوق اساسی تنها رشته‌ای نیست که بررسی مسائل مربوط به دولت می‌پردازد. سایر رشته‌های حقوق عمومی نیز مانند حقوق اداری، حقوق کیفری، حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی و حقوق کار درباره دولت بحث می‌کنند منتها هر کدام از زوایه و دید ویژه‌ای روابط دولت را مورد بررسی قرار می‌دهند. در تعریفی جامع می‌توان حقوق اساسی را چنین تعریف کرد: حقوق اساسی رشته‌ای از علم حقوق است که در آن، سازمان عمومی دولت، رژیم سیاسی آن، ساختار حکومت، سازمان و وظایف و اختیارات قوای ثلاثه و حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، انتخابات و احزاب سیاسی و تبلیغات و نظایر آن بحث و گفتگو می‌شود.

بدین‌سان مطالعات حقوق اساسی در حال حاضر واجد جنبه فرا حقوقی است و از خصلت میان رشته‌ای برخوردار است اگرچه در گذشته مطالعات حقوق اساسی منحصر به متون قوانین اساسی کشورها بود، اما امروزه حوزه مطالعات حقوق اساسی پا را فراتر از چهارچوب محدود قوانین گذاشته و به این نتیجه رسیده است که برای کارآمدی هر چه بیشتر حقوق اساسی باید بیش از توجه به قانون اساسی شکلی به قانون اساسی ماهوی نظا

## حقوق اداری در ایران

**بند اول - ویژگی‌های حقوق اداری در ایران؛** پیرامون ویژگی‌های حقوق اداری در ایران و جایگاه آن در حقوق موضوعه، مطالب بسیاری در کتب حقوق اداری به چشم می‌خورد. اساتید حقوق اداری با بیانی کم و بیش مشابه عموماً ویژگی‌هایی از قبیل جوان بودن و نوپایی حقوق اداری، پراکندگی و مدون نبودن قواعد حقوق اداری، متمایز بودن حقوق اداری از سایر قواعد حقوقی به لحاظ دارا بودن امتیازات قدرت عمومی و اهمیت و جایگاه برجسته حقوق اداری در نظام حقوقی اشاره کرده اند. اما آنچه که در بررسی ویژگی‌های حقوق اداری در ایران می‌توان گفت اینست که حقوق اداری در ایران شباهت‌هایی با هر دو نظام انگلیسی و فرانسوی دارد.

**ویژگی دوگانه بودن نظام دادرسی؛** نظام حقوق اداری ایران مانند نظام فرانسوی از سیستم دوگانه‌ی حقوقی تبعیت می‌کند؛ هر چند تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود. همانند شورای دولتی در فرانسه، دیوان عدالت اداری در ایران به حل و فصل دعاوی اداری می‌پردازد؛ طبق اصل ۱۷۳ قانون اساسی «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها دیوانی بنام دیوان عدالت اداری زیر نظر رییس قوه قضاییه تأسیس می‌گردد حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند».

دربیان تفاوت‌های بین شورای دولتی و دیوان عدالت اداری می‌توان گفت که شورای دولتی، مشاور دولت و زیر نظر قوه مجریه است، درحالی‌که دیوان عدالت اداری زیر نظر قوه قضاییه است. در فرانسه شورای دولتی بر مطابقت تصمیمات و اقدامات اداری با قانون و عدم خروج مقامات اداری از حدود اختیارات خود پاسداری می‌کند، در حالیکه در ایران افزون بر این موارد دیوان بر مطابقت تصمیمات و اقدامات اداری با شرع (حسب مورد با همکاری شورای نگهبان) نیز نظارت می‌کند.

ویژگی مدون نبودن و پراکندگی قواعد؛ قوانین مربوط به حقوق اداری در ایران همانند قانون اساسی، مدنی، تجارت، مجازات و... بصورت واحد و یک پارچه تدوین و گردآوری نشده است تا بصورتی باشد که تمام اصول و احکام مسائل اداری را در خود جمع کرده باشد، شاید این موضوع بخاطر گستردگی موضوعات و تنوع مشاغل و وظایف اداری باشد. ولی آنچه که اهمیت دارد این است که تدوین و گردآوری قوانین و مقررات مرتبط مربوط به حقوق اداری در قالب قانون عام اداری یک ضرورت اجتناب ناپذیر است و عدم وجود قانون عام اداری امروزه بعنوان یک نقص عمده نظام حقوق اداری محسوب می‌گردد. این ویژگی، همانند مدون نبودن قوانین و مقررات اداری در سیستم حقوقی فرانسه است.

در تدوین قوانین بصورت قانون عام اداری همانند سایر قوانین مجموعه‌ی قوانین و مقررات، اصول کلی حقوق اداری و آیین‌های تصمیم‌گیری، در قالب یک کد واحد مدون می‌شود.

با مدون سازی اصول و آیین‌های مشترک اداری، قضاتی که مأمور نظارت قضایی بر اقدامات و تصمیمات دولت هستند از دایره‌ی تنگ معیار قانونی بودن صرف در مفهوم مضیق آن بیرون می‌آیند و با بکارگیری مجموعه‌ی گسترده‌ای از معیارها، ضوابط، آیین‌ها و اصول شکلی و ماهوی می‌توانند بصورتی مؤثرتر، عمیق‌تر و انعطاف پذیرتر بر عملکرد دولت نظارت کنند.

**ب-** ویژگی جدید و نوپا بودن حقوق اداری؛ ویژگی سوم حقوق اداری در ایران اینکه، این مفهوم در ایران بسیار جدید بوده و برخلاف حقوق مدنی، تجارت، جزا و... که سابقه‌ی دیرینه‌ای دارند، حقوق اداری با پیشرفت افکار مردم سالارانه، دخالت دولت در اداره‌ی امور جامعه، تفکر گسترش خدمات عمومی بوسیله دولت و حقوق مردم پدیدار گشته است؛ مفاهیمی چون اداره‌ی خدمات عمومی، دادرسی اداری، نظارت قضایی بر اعمال دولت و اداره و... همه مفاهیم جدیدی هستند که می‌توان گفت در پنجاه سال اخیر در ایران رواج پیدا کرده اند.

بند دوم - منابع حقوق اداری در ایران؛ بطور معمول در مطالعات و تحقیقات مربوط به رشته‌های مختلف حقوقی، از منابع تشکیل دهنده‌ی آن رشته بحث می‌شود؛ چرا که شناخت کامل و دقیق یک رشته‌ی حقوقی بستگی تامی به منابع آن دارد. «بحث منابع حقوق متوجه طریقه‌های وضع و ایجاد نظامات و مقررات و قواعد مربوط است»<sup>۳</sup>. بنابراین در این بند، منابع حقوق اداری به عنوان رشته‌ای از حقوق - که دارای قواعد و مقررات پراکنده و وسیعی است بیان خواهد شد.

الف- منابع اصلی؛ منابع اصلی حقوق اداری در ایران را می‌توان شامل قوانین و مقررات و رویه قضایی دانست.

۱ - قوانین و مقررات؛ مجموعه‌ی قوانین و مقررات حقوقی را در رابطه با منابع حقوق اداری، می‌توان به سه قسمت تقسیم بندی نمود: ۱ - قانون اساسی ۲- قوانین عادی ۳ - مقررات دولتی.

۱ - قانون اساسی؛ « قانون اساسی کلیه‌ی قواعد و مقررات موضوعه یا عرفی مدون یا پراکنده‌ای است که مربوط به قدرت و انتقال و اجرای آن است بنابراین اصول و موازین حاکم بر روابط سیاسی افراد در ارتباط با دولت و نهادهای سیاسی کشور و شیوه‌ی تنظیم آنها و همچنین کیفیت توزیع قدرت میان فرمانروایان و فرمانبران از زمره‌ی قواعد قانون اساسی است».

بطور کلی اصولی از قانون اساسی که به حقوق اداری مربوط می‌شود را می‌توان در چهار بند به شرح ذیل بیان نمود:

۱ - اصل ۳؛ اصل مربوط به قوه‌ی مجریه و وظایف آن (آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان، بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی از طریق مطبوعات، ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی، تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌ها،

۳. واحدی، قدرت اله، مقدمه‌ی علم حقوق، تهران: میزان، چ ۱۳۸۵، ص ۱۹۰

رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور، اقتصاد صحیح و عادلانه، خودکفایی در علوم و فنون).

۲- اصول ۱۴۱-۱۱۳ و اصل ۱۴۹؛ اصول مربوط به تشکیلات و ساختار قوهی مجریه، مسئولیت‌های رییس جمهور، هیأت وزیران و هریک از وزیران نسبت به وظایف، اختیارات و عملکردهای خود، صلاحیت قوهی مجریه، ترفیع درجهی نظامیان، منع جمع مشاغل سیاسی و اداری و...

۳- اصول ۶ و ۷، ۱۰۶، ۱۰۰؛ اصول مربوط به ساختار، تشکیلات، ایجاد، انحلال و حدود اختیارات و وظایف شوراهای اسلامی، شورای عالی استان ها، شورای نمایندگان کارگران، دهقانان و ... روابط آنها با واحدهای تقسیمات کشوری.

۴- اصول ۳، ۱۰، ۳۱، ۵۰، ۲۸، ۴۴، ۴۳؛ اصول مربوط به انجام خدمات و نیازمندی‌های عمومی، بنیان خانواده و حقوق زنان، اشتغال، تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش، مسکن، اقتصاد و امور مالی و محیط زیست.

۵- قوانین عادی؛ اصولاً یکی از مشکلات نظام اداری ایران و به تبع آن حقوق اداری ایران تورم قوانین و شناور بودن آنهاست به همین خاطر در مورد حقوق اداری قوانین عادی از یک پارچگی، نظم و انسجام کاملی برخوردار نیستند. در حالیکه مثلاً قانون مدنی در مسائل مختلفی از قبیل قراردادهای، ارث، خانواده و... مجموعاً یک کل منسجم را تشکیل می‌دهد، قوانین عادی که بصورت مستقیم و غیرمستقیم به عنوان منابع حقوق اداری محسوب می‌شوند، به شرح ذیل می‌باشند: قانون استخدام کشوری سابق، قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۵۸، قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲، قانون وظایف و اختیارات شوراها مصوب ۱۳۷۵، قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل، قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۴۴، قانون محاسبات عمومی و ...

۶- مقررات دولتی؛ قوهی مجریه ب عنوان قوهی اجرایی کشور باید قوانین را اجرا کند، بدین منظور دارای حق وضع مقررات دولتی است. این قوه به دلیل داشتن وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف فنی و تخصصی دارا بودن افراد متخصص و با تجربه و ارتباط و تماس بیشتر با مردم و نیازها و مسائل روزمره‌ی آنان حق گذاشتن تصویب‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و... برای نحوه و کیفیت به اجرا در آمدن قوانین و تعیین جزئیات آنها را دارد.

مقررات دولتی مورد بحث در این قسمت عبارت از تصویب‌نامه، آیین‌نامه (اجرایی و مستقل) بخشنامه و دستورالعمل می‌باشند. می‌توان گفت که قسمت اعظم مقررات دولتی مربوط به حقوق اداری است؛ چراکه در این مقررات قوهی مجریه، وظایف و اختیارات مربوط به سازمان‌های اداری، نیازهای عمومی، خدمات عمومی و... را مقرر می‌نماید. به عنوان نمونه طبق اصل ۱۳۸ قانون اساسی هیأت وزیران و هر یک از وزیران حق دارند برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع آیین نامه بپردازند. بخشنامه و دستورالعمل نیز، به وفور در دستگاه اجرایی و اداری صادر گردیده و یکی از مهم‌ترین ابزارهای انجام امور اداری از سوی مقامات بالا به پایین است، بخشنامه‌ها در مقام تعلیم و ارشاد کارکنان مادون و دستورالعمل در راستای امور فنی و تخصصی صادر می‌شوند.

از انواع مختلف مقررات دولتی، در مجموع می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: تصویب نامه‌ی تعیین استاندار، تصویب نامه پیرامون حل اختلاف دستگاه‌های دولتی، تصویب‌نامه‌های مربوط به تغییر نام و یا تعدیل واحدهای تقسیمات کشوری، دستورالعمل مربوط به پرداخت حقوق و مزایای کارمندان دولت و ...

۱ - رویه‌ی قضایی؛ رویه‌ی قضایی، عبارت از «روش و طریقه‌ای است که قضات دادگاه‌ها در حل و فصل دعاوی و اختلافات مردم خصوصاً در مواردی که قوانین کشور مبهم، مجمل، ساکت یا ناقص است اتخاذ می‌نمایند؛ مبنای نظری قضایی در این موارد، اصول و قواعدی است که برای فعلیت دادن به عدالت در اساس و مبنای قوانین قرار گرفته و گاه با عبارت روح قوانین تعبیر می‌شود، این روش را دادگاه‌های دادگستری در حل و فصل دعاوی اتخاذ می‌نمایند و بر اثر موافقت دیوان [عالی] کشور سوابق مکرر قضایی از آن در موضوعی پدید می‌آید».

تعریفی که در بالا ارائه شد، تعریفی است که قبلاً از رویه‌ی قضایی می‌شد؛ تعریفی که برای رویه‌ی قضایی در حوزه‌ی حقوق اداری جایگاهی قائل نبود، چرا که مرجع عالی مانند دیوان عدالت اداری وجود نداشت تا به عنوان یک دادگاه عالی همچون دیوان عالی کشور در دعاوی اداری اقدام به صدور آراء وحدت رویه‌ی قضایی نماید. قبل از تشکیل دیوان عدالت اداری، دیوان عالی کشور تنها در امور مربوط به استخدام آرائی صادر میکرد و در سایر حوزه‌های حقوق اداری وحدت رویه‌ای وجود نداشت. با تشکیل دیوان عدالت اداری در سال ۱۳۶۱ این مرجع به عنوان عالی‌ترین دادگاه اداری آراء بسیار متعددی در زمینه‌های حقوق اداری صادر کرده است، حجم آرای صادر شده بسیار چشم گیر و ارزشمند بوده و در بسیاری از موارد راه‌گشا بوده است. طبق بند ۲ و ۳ ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری یکی از وظایف هیأت عمومی دیوان عبارت از صدور رأی وحدت رویه در مورد آراء متناقض صادر شده از شعب دیوان و صدور رأی وحدت رویه در صورتی است که نسبت به موضوع واحد آراء مشابه متعدد صادر شده باشد. همچنین طبق ماده ۴۳ «هرگاه در موارد مشابه، آراء متناقض از یک یا چند شعبه‌ی دیوان صادر شود رئیس دیوان موظف است به محض اطلاع موضوع را در هیأت عمومی دیوان مطرح نماید و هیأت عمومی پس از بررسی و احراز تعارض نسبت به صدور رأی اقدام می‌نماید. این رأی برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است» و مطابق ماده ۴۴ «هرگاه در موضوع واحدی حداقل پنج رای مشابه از شعب مختلف دیوان صادر شده باشد با نظر رئیس دیوان موضوع در هیأت عمومی مطرح و رأی وحدت رویه صادر می‌شود، این رأی برای شعب دیوان، ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی زیربط لازم‌الاتباع است».

ب - منابع فرعی و تکمیلی؛ منابع فرعی در حقوق اداری منابعی هستند که مستقیماً بعنوان منبع حقوق محسوب نشده بلکه در مقام تکمیل منابع اصلی بکار می‌روند. این منابع عبارت از عرف و عادت حقوقی، منابع اسلامی و دکترین می‌باشند.

-عرف و عادات حقوقی؛ عرف بعنوان مکمل قانون یکی از منابع حقوق می‌باشد و عرف اداری، رویه‌ای است مرسوم در میان سازمان‌های اداری و کارکنان آنها که به دلیل تکرار آن در طول زمان آن را همانند حقوق شمرده و از آن پیروی کنند، عرف اداری برگرفته از رفتار و عملکرد ادارات است و قاعده‌ای است که به تدریج میان آنها به عنوان قاعده‌ای الزام آور مرسوم شده است و یا به مجموع عادات ناشی از اعمال و رویه‌های اداری الزام آور تعریف می‌شود.

از آنجا که حقوق اداری، برخلاف سایر رشته‌های حقوق از جمله مدنی، جزا و... حقوقی جدید و نوپاست، نیز، بخاطر اینکه در حقوق اداری اصل بر حاکمیت قانون و مقررات موضوعه است، لذا پذیرش عرف به عنوان یک منبع مستقل از مقررات موضوعه محل تردید است، با این حال در حد رویه و رفتار اداری برای تشخیص و شیوه‌ی اجرای قوانین قابل استناد است.

-مذهب (منابع اسلامی)؛ با توجه به مقدمه‌ی قانون اساسی که مقرر می‌دارد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است و بند دوم اصل دوم که جمهوری اسلامی را نظامی بر پایه‌ی ایمان به وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین می‌داند و نیز طبق اصل چهارم که مقرر می‌دارد کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی و اداری ... باید بر اساس موازین اسلامی باشند؛ یکی دیگر از



منابع حقوق اداری منابع معتبر اسلامی است. البته در مقام استناد، به منابع اسلامی در صورتی استناد می‌شود که قوانین و مقررات ساکت یا ناقص یا مجمل یا متعارض باشند. در این خصوص اصل ۱۶۷ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه‌ی سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع ورزد».

#### متن اصلی

اصل انتظارات مشروع و رابطه آن با مفاهیم و اصول دیگر حقوق اداری

- اصل حاکمیت قانون؛ همانطور که قبلاً گفته شد اصل حاکمیت قانون، مفهوم بنیادینی است که بسیاری از اصول حقوق اداری در گسترهی آن قابل بررسی هستند. برخی معتقدند که اصل انتظارات مشروع یکی از ابعاد حاکمیت قانون می‌باشد به این ترتیب که قوانین و اعمال کسانی که آن‌ها را اعمال و اجرا می‌کنند

باید تابع شرایط پیش بینی پذیری و اطمینان باشد، همچنین طبق اصل حاکمیت قانون، این اصل باید متضمن برابری شکلی باشد یعنی اینکه با نمونه‌های فردی همسان باید با اعمال درست و یکسان قانون، همسان برخورد شود، بدون برابری شکلی، قانون خودسرانه و از این رو غیر قابل پیش بینی و بی ثبات می‌شود.

به علاوه حاکمیت قانون متضمن درجهای از ثبات و استمرار قانون است، قانون باید این اطمینان را ایجاد کند که عمل اداری بر ترکیبی از اضطرارهای کوتاه مدت و ملاحظات بلند مدت تر استوار است، برنامه ریزی فردی مشکل یا غیر ممکن خواهد شد اگر قانون و خط مشی جاری، اغلب و به سرعت دچار تغییر و تحول شود، تغییرهای پی در پی با ایجاد بی اعتمادی نسبت به مرزهای حقوق فردی ممکن است باعث تباه شدن حقوق افراد شود.<sup>۵</sup>

- اصل ثبات و اصل هماهنگی؛ اصل ثبات قائل به اینست که دولت در اتخاذ سیاست‌ها باید رویه واحد و ثابتی را داشته باشد، از تغییرات ناگهانی و غیر قابل پیش بینی اجتناب کند، از طرف دیگر وجود دولت‌های گوناگون و سیاست‌های حزبی مختلف از طرفی و لزوم هماهنگی دولت با تحولات روز و تغییرات در خط و مشی ها، اصل هماهنگی و تغییر، اهمیت فوق العاده‌ای دارد که باز خورد این دو ایده اصل انتظارات مشروع را برای شهروندان شکل میدهد که در صورت داشتن شرایط انتظار مشروع منجر به مسئولیت دولت خواهد شد.

- قاعده استاپل<sup>۳</sup>: برخی از حقوق دانان اداری در دفاع از اصل انتظارات مشروع و ممنوعیت تلون در خط و مشی‌های اداری به قاعده معروف استاپل استناد می‌جویند، بر این اساس فرض بر اینست که اگر دولت سیاستی را قبلاً اتخاذ نمود ه است، باید در حال حاضر نیز به آن پایبند باشد، اصل بر این است که نمی‌تواند آنرا تغییر دهد.

#### ج - اصل انتظارات مشروع در حقوق اداری و قانون اساسی ایران

- حمایت از انتظارات مشروع در حقوق اداری؛ با توجه به چارچوب مفهومی ارائه شده از اصل انتظارات مشروع که فوقاً گفته شد، باید دید که حقوق اداری در این باره چه ارتباطی با اصل مذکور دارد؟ باید گفت که وظیفه حقوق اداری است که از انتظارات مشروع ناشی از تصمیم ها، اعلام‌ها و رفتار اداری حمایت کند. زیرا مقامات اداری وظیفه دارند اختیارات خود را در حمایت از منافع عمومی بکار بندند و در انجام این کار موظف هستند که محدودیت‌های قانونی را رعایت نمایند، حمایت قانونی

<sup>۵</sup> سونبرگ، شورن، انتظارات مشروع در حقوق اداری، ترجمه، احمد رنجبر، تهران: میزان، چ اول، ۱۳۷۸، صص ۳۸-۳۷.

از انتظارات مشروع بوسیله حقوق اداری راهی است برای اعتبار بخشیدن به پیش بینی پذیری، برابری صوری، ثبات و استمرار عجین شده با حاکمیت قانون؛<sup>۶</sup> از اینرو:

- اختیارات، تصمیمات و اعلام‌های غیر قانونی و خارج از اختیارات قانونی مقامات دولتی باید محدود شود، بنابراین اختیاراتی که بوسیله مقررات قانونی به مقامات و مراجع دولتی واگذار میشود، مشروط به این است که به نحو قانونی انجام پذیرد.  
- این اختیارات و تصمیمات باید در جهت منافع عمومی بکار بسته شود، این شرط با شرط پیش گفته شرط مشروعیت عمل اداری محسوب می‌شود.

- خط و مشی‌های جاری و پی در پی دچار تغییر و تحول نشود، به کسانی که از این تغییرات تأثیر می‌پذیرند باید پیشاپیش اطلاع و هشدار کافی داد و یا مقررات موقتی اتخاذ کرد، این امر نیز باعث افزایش همراهی و پیروی عموم میشود، زیرا بدین وسیله اشخاص ذی نفع برای آگاهی یافتن و در پیش گرفتن رفتاری موافق خط مشی جدید فرصت کافی می‌یابند.

- اصل انتظارات مشروع در قانون اساسی؛ در حقوق ایران، اصل انتظارات مشروع به این مفهوم و عنوان وارد نگردیده است، حتی در متن قانون اساسی نیز به سختی میتوان مبنایی برای آن جستجو کرد، با این وجود برخی از اساتید معتقدند که مبنای آن اصل ۹ قانون اساسی است که مقرر می‌کند «...هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدش‌های وارد نماید و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند همچنین برخی دیگر معتقدند که مبنای اصل انتظارات مشروع اصل ۰۴ قانون اساسی که مقرر میکند هیچ کس نمیتواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

هر چند که اصل لاضرر و مفهوم آزادی‌های مشروع مقرر در اصول ۹ و ۰۴ قانون اساسی میتواند ارتباط مفهومی با اصل انتظارات مشروع داشته باشد ولی با توجه به تعریف و شرایطی که در مورد این اصل گفته شد باید گفت که این اصل در ایران هنوز جایگاهی ندارد و حقوقدانان و قضاوت، با این مفهوم بیگانه هستند و هنوز کار شایسته‌ای در این زمینه انجام نگرفته است.  
اصل انتظارات مشروع در حقوق عمومی و اداری ایران باید در چارچوب اصل مسئولیت مدنی دولت مورد بحث قرار گیرد، در حال حاضر عمدتاً در مسئولیت مبتنی بر تقصیر شخصی مستخدمان بخش عمومی به معنای وسیع کلمه (ماده ۱ و ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی) و مسئولیت استثنایی دولت در جبران خسارت (اصل ۱۷۱) بعلاوه یکسری مقررات محدود و پراکنده ناظر به مسئولیت بدون تقصیر (برای نمونه ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی) خلاصه میشود،<sup>۷</sup> بعلاوه در ردیابی اصل انتظارات مشروع در حقوق ایران بایستی به قوانین و مقررات مالیاتی، شهرداری، تأمین اجتماعی و حقوق کار مراجعه کرد تا مسئولیت پاسخگویی دولت در این زمینه آشکار شود.

### اصل دسترسی به اطلاعات و اسناد اداری

یکی دیگر از اصول مدرن حقوق اداری، اصل دسترسی به اطلاعات و اسناد اداری می‌باشد، در این قسمت از تحقیق، ابتدا اصل مذکور را توضیح داده و سپس به بررسی نقش و جایگاه آن در قانون اساسی خواهیم پرداخت.

**مفهوم اصل دسترسی به اطلاعات و اسناد و جایگاه آن در حقوق اداری؛** اصل دسترسی به اطلاعات و اسناد به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق اداری، امروزه نقش و تأثیر قابل توجهی در روند اداره مطلوب و حکمرانی شایسته دارد، این اصل با

<sup>۶</sup> همان، ص ۱۸.

<sup>۷</sup> درویشی، بابک: نقل از دولتی تپه رشت، مهدی، منبع پیشین، قسمت نتیجه‌گیری پایان نامه، ص ۱۳۳ (استاد داور).

اصول دیگر حقوق اداری از جمله پاسخگویی، شفافیت و برابری میان شهروندان پیوند بسیار نزدیکی داشته و در زمینه مبارزه با فساد اداری اهمیت فوق العاده‌ای دارد. اصل دسترسی به اطلاعات و اسناد اداری از وجوه اصل دسترسی آزاد اطلاعات و حق بر اطلاعات بوده که تأثیر شگرفی بر ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی از جمله وجوه سیاسی، حریم خصوصی، اقتصادی و... می‌گذارد.

از بعد سیاسی، دسترسی به اطلاعات سنگ بنای برخی اصول بنیادین نظام‌های دموکراتیک، یعنی شفافیت، پاسخگویی و حکمرانی خوب است، در چنین بستری اطلاعات ابزار کنترل دموکراتیک بر نهادهای دولتی است و ارتباط تنگاتنگی با ایده دموکراسی و احترام به حقوق بنیادین دارد.

به‌علاوه از آنجا که شهروندان در برابر نهادهای اداری و حکومتی در موقعیتی برابر نیستند؛ دسترسی به اطلاعات نزد این نهادها و مقام‌های یاد شده می‌تواند موجب بهبود برابری و نهایتاً تحقق یافتن حاکمیت قانون از طریق شفافیت و در پی آن پاسخگویی حکومت به مردم باشد، از نظر اقتصادی نیز با اعمال این اصل فعالان اقتصادی می‌توانند در فضایی رقابتی تر و به دور از رانت‌های اطلاعاتی در مقابل رقیبان دولتی و لابی‌کنندگان به منابع اطلاعاتی، در موقعیتی عادلانه تر به فعالیت اقتصادی بپردازند.

از جمله مزایا و آثار مفید دیگری که از اصل دسترسی به اطلاعات می‌توان برشمرد ترغیب مشارکت مدنی، افزایش کارآمدی و اثر بخشی و پیشگیری از فساد می‌باشد، چرا که دسترسی به اطلاعات موجود در نهادها و ادارات دولتی، علاوه بر ایجاد زمینه‌های مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مسائل عمومی به عنوان یک وسیله و ابزار مهم برای مبارزه با فساد قابلیت داشته و منجر به کارآمدی و اثر بخشی اداره خواهد شد.

**اصل حق دسترسی به اطلاعات و اسناد اداری در قانون اساسی؛** در نظام حقوقی ایران، حمایت از برخی از اصول و آزادی‌های بنیادین به سکوت برگزار شده است، به ویژه در سلسله مراتب قانونی، قانون اساسی به عنوان منشأ و مادر سایر قوانین، در این مورد با ضعف‌هایی مختلف مواجه است. این نمونه در مورد آزادی اطلاعات و به مثابه آن حق دسترسی به اطلاعات نیز مصداق پیدا می‌کند؛ هر چند که بسیاری از نهادهای بین‌المللی و کشورها به رسمیت شناختن آزادی بیان را در قوانین اساسی خود دلالتی آشکار بر به رسمیت شناختن آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات دانسته اند اما در قانون اساسی ایران، این موضوع بصورت بسیار مختصر (اصل ۴۲ و ۵۱۷) مورد اشاره قرار گرفته است. بنابراین در قانون اساسی ایران حمایت از آزادی بیان و مصادیق آن [به عنوان مفهومی مرتبط و دارای رابطه‌ی تنگاتنگ با موضوع حق دسترسی به اطلاعات] جلوه‌ی ضعیفی دارد.

## منابع و مأخذ

۱. موراوتز، توماس، فلسفه‌ی حقوق - مبانی و کارکردها، ترجمه: بهروز جندقی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ اول، ۱۳۸۷
۲. نوین، پرویز، حقوق اداری تطبیقی، تهران: تدریس، چ اول ۱۳۸۶
۳. نایب زاده، علی اکبر، اصطلاحات حقوقی به زبان عربی.
۴. هداوند، مهدی و همکاران، آیین‌های تصمیم‌گیری در حقوق اداری (مطالعه‌ی تطبیقی)، تهران: خرسندی، چ اول، ۱۳۸۹ ۵۶. هداوند، مهدی و علی مشهدی، اصول حقوق اداری (در پرتو آرای دیوان عدالت اداری)، تهران: خرسندی، چ اول، ۱۳۸۸
۵. صابری شهماروندی، فرضعلی، اصول و مبانی حقوق اداری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رشت: کدیور، چ اول، ۱۴۰۱
۶. هداوند، مهدی و مسلم آقایی طوق، دادگاه‌های اختصاصی اداری (در پرتو اصول و آیین‌های دادرسی منصفانه - حقوق ایران و مطالعه‌ی تطبیقی)، تهران: خرسندی چ اول، ۱۳۸۹
۷. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: میزان، چ اول، ۵
۸. ویژه، محمد رضا، مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی، تهران: جنگل، چ اول، ۱۳۹۰

## An income on administrative rights in the constitution

Mohammadreza Mahdavi

*Master of Private Law; Azad University; localities; Arak; Iran*

---

### Abstract

One of the important branches of domestic public law is constitutional law. The fundamental rights discuss the form of the government and the organization of the higher governmental powers, i.e. the judiciary, the executive and the legislature, and the competence and duties of each of them. Administrative law is complementary to the basic rights. This means that each of the government forces create organizations to help them in carrying out their duties. Administrative law deals with the study of organizations and the duties and powers of organizations that together form the executive branch. Administrative law is a set of legal rules that determine the rights and duties of government administrative organizations and their relations with the people. Administrative law oversees activities related to public services and maintaining public order of administrative organizations and does not include political, judicial, legislative activities of these organizations. Administrative law is a set of rules and rulings about administrative organizations and institutions and how to monitor their actions and decisions and establish the rule of law and ensure the rights of citizens. Labor law is also a subset of domestic public law that deals with the study of rules and regulations governing labor relations. Labor law governs all legal relationships that arise from doing work for others and in any case where the work is performed with obedience to the employer, and in other words, labor law examines, analyzes and evaluates the protective and mandatory provisions that It supervises the subordination relations of work and its purpose is to provide security, justice and social order. In another sense, labor rights can be defined as "a set of rules governing the relationship between the worker and the employer, as well as the rules related to the rights of individuals to obtain work." It should be noted that these rules have usually entered domestic legal systems from the international system; Therefore, by recognizing these rights, in the international system, internal rules can be formulated more richly. Today, many of these international achievements have been used in the labor law of Iran and also in the constitution of the Islamic Republic of Iran. Regarding the definition of labor rights, it can be said that this field can be described in various ways. "Paul Duran", one of the professors of labor law in France, has stated that labor law governs the legal relations resulting from the performance of work by one person for another person. It seems that such a definition that relies on the legal aspect can be somewhat close to the comprehensive definition of this field.

**key words** Rights; Official; Constitution.

---